



۲۰۱۳/۰۵/۱۹

محمد رسول باوری

## مکتی بر نظریات پیرامون بازسازی مجسمه های بزرگ بامیان

(( یاد داشت: این مقاله را در سیمینار علمی ۱۳۸۵ شمسی در کابل ارایه نمودم. با وصف آنکه تعداد زیاد دانشمندان حاضر در سیمینار با توجه به اصول علم باستان شناسی توافق خویش را ابراز داشتند، ولی عده ای هم بودند که نه تنها توافق بر اصول علم باستان شناسی را نداشتند بل بنده را محکوم به داشتن افکار (طالبی) نمودند. در حالیکه بنده در دشوارترین شرایط و جو سیاسی آن زمان افغانستان بیشترین مصاحبه ها و کنفرانس های علمی در گوشه و کنار جهان دایر نموده و مخالفت جدی و قاطعانه را به منظور جلوگیری از تخریب مجسمه های بامیان ابراز داشته ام. برعکس آنزمان، بعد از تحولات سیاسی در افغانستان، چون اصول علم باستان شناسی ایجاب می نمود، به همان اندازه مقاومت نمودم که مجسمه های تخریب شده در بامیان را نباید بازسازی نمود. و این مسئله تا مباحثات مراکز متعدد فرهنگی کشور و جهان و حتی یونسکو رسید و اکنون خوشبختانه علم و اصول علمی موفق خویش را یافت و رئیس عمومی یونسکو خانم ایرینا بوکووا، در سفر رسمی به افغانستان موفق یونسکو را که مبنی بر نظریات دانشمندان رشته باستان شناسی بود ارایه داشت. از همین جهت یک بار دیگر برای بازخوانی آن مقال خویش که هشت سال قبل تهیه و ارایه داشته بودم، به خدمت خوانندگان محترم تقدیم میدارم.))

با حرمت زیاد. ۲۸ ثور ۱۳۹۳

باوری.

به آگاهان مسائل سیاسی \_ اجتماعی و فرهنگی افغانستان هویداست که فاجعه تخریب مجسمه ها در افغانستان خاصاً دو مجسمه بزرگ بودائی در بامیان از همه اولتر عکس العمل افراطیون و تاریک فکران در برابر حوادث پیشرونده آن زمان در جهان و افغانستان بوده است و محاصل برای عاملین آن، جز شرمساری و محکومیت اجتماعی و تاریخی چیز دیگری در پی نداشت. اوراق پر از فراز و نشیب تاریخ افغانستان گواه حوادث گوناگون بوده، ولی فاجعه فرهنگی به سان تخریب مجسمه های بزرگ بودائی بامیان را در سطور تاریخ افغانستان یا نداشتیم و اگر داشتیم هم به تناسب این فاجعه نبوده است.

مجسمه های بزرگ بودائی در بامیان نه تنها یکی از آثار گران بهای فرهنگی کشور ما بوده، بلکه نمونه ای از میراث های فرهنگی جهان باستان نیز به حساب میرفت. متأسفانه ما و جهان اکنون آن مجسمه هارا در اختیار نداریم، که جای بس تأسف و اندوه است. همانگونه که این مجسمه ها قربانی تبلیغات پوچ و بیهوده گردید، اکنون به گونه دیگر تبلیغات و هیاهوی بی معنی برای ترمیم و بازسازی آن به گوشها میرسد.

در این نوشته میخواهم به اختصار لازم مسائل چندی را به عنوان دانشمندان باستان شناسی افغانستان و متخصصین افغانی و افغانستان شناسان سایر کشورها در میان گذاشته و در فرصت کنونی خدمت شما حضار محترم ارایه نمایم. در این بحث مسئله در دو بخش محدود شده که عبارتند از:

اول: نگاهی به نظریات و عقاید حمایت کنندگان اعمار مجدد مجسمه های بودائی در بامیان،

دو: ارایه مطالب برای عدم ضرورت اعمار مجدد مجسمه های بودائی در بامیان، دوستان عزیز، بحث را از فوائد بازسازی مجسمه های بامیان آغاز می نمایم:

دلایل فراوان برای نیت خوب و آرزوی عالی موجود است که باز سازی این مجسمه هارا جدی وانمود سازد، از قبیل:

- ما بار دیگر صاحب مجسمه های بزرگ در افغانستان خواهیم بود،
- تعداد سیاحان و جهان گردان به نسبت مجسمه های باز سازی شده به بامیان زیادتز خواهد شد،
- معتقدین ائین بودائی بامیان مقدس را باز خواهند یافت،
- کار به کارگران در بامیان میسر خواهند شد،

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

■ و بالاخره زخم وارد شده افرطیون بر فرهنگ افغانی التیام خواهد یافت؛ و از این قبیل فوائد دیگر را میتوان برشمرد تا اذهان مردم را برای جدی شمردن و حق اولیت دادن به بازسازی آن مجسمه ها متمایل ساخت. فوائد متذکره در حقیقت دلایل آنعده از متخصصین و دست اندرکاران باستان شناسی بوده است که از باز سازی آن مجسمه ها حمایت و پشتیبانی می نمایند.

من به تعقیب توضیحات و تفصیلات این دلایل نه میروم، فقط به همین یادآوری اکتفا کرده به بحث دیگر می پردازم که چه انگیزه ها و کدام عوامل سبب این تمایلات شده است؟ آیا فقط حب و علاقمندی به باز سازی مجسمه ها و یا عشق به باز سازی آثار فرهنگی افغانستان مطرح است و یا در کنار آن مسائل دیگر نیز وجود دارد؟ بدون شک می توان گفت که معجون از هر دو انگیزه، هم علاقمندی به بازسازی و هم مسائل دیگر، آنچه مربوط به علاقمندی است طبعاً آنعده از متخصصین شایق بازسازی مجسمه های متذکره اند که عشق فراوان با، بازسازی فرهنگی افغانستان داشته و در این مسیر احیای مجدد مجسمه ها را نیز بخشی از این بازسازی شمرده و اجرای آنرا حمایت می نمایند. ولی آنچه مربوط به مسائل دیگر است می توان دو فکتور را در این مسائل دخیل شمرد. اول اینکه تعدادی از حمایت کنندگان فقط به کلمه ابتکار توجه داشته که جنبه تبلیغاتی دارد و به این ترتیب میخوانند اسم شان به عنوان مبتکر و یا مبتکرین این طرح، جاویدانی گردد.

دوم اینکه، امتیاز مادی و مالی نیز در محراق توجه ایشان قرار داشته است. اگر مطالب ارایه شده را محک قرار دهیم، سوالات متعدد و بنیادی را خواهیم داشت که حل آن در محدوده نظریات خوشبینانه و طرح بلند بالای صرفاً آرمانی، حاصل نخواهد شد.

عده ای از باستان شناسان به این باور اند که احیا و بازسازی مجسمه های بزرگ بامیان آنچنانی که تعدادی می اندیشند از اولویت های جدی در بازسازی کلتوری افغانستان شمرده نمی شود. به عقیده این گروه از دانشمندان موانع زیاد و عینی برای حصول به این آرمان وجود دارد، که هرگز نمی توان آنرا نادیده گرفت. آنها موانعی در این راستا را چنین برمی شمارند:

■ اول موانع علمی و میتودیک؛

■ دوم موانع مالی و اداری؛

■ سوم موانع قراردادی و اصول بین المللی؛ که اینک به توضیح فشرده هر یکی از این موانع می پردازم:

اول موانع علمی و میتودیک: مجسمه های بامیان از همه اولتر آثار تاریخی و باستانی بوده که بحث پیرامون آنرا نیز از دیدگاه باستان شناسی باید ادامه داد. با نظر داشت این اصل بنیادی لاجرم باید به اصول و موازین باستان شناسی مراجعه نمود تا این معضل را به حل منطقی رسانید. سوالی مطرح می گردد که باستان شناسی برای چنین پروبلم ها راه حل دارد یا خیر؟ جواب مثبت است، آری؛ باستان شناسی به مثابه دسپلین علمی اصول و موازینی دارد که در محدوده آن می توان بر معضلاتی چون اعمار مجدد مجسمه های بزرگ بامیان فایق آنیم. برای تفهیم این مطلب به اختصار لازم مسائل آتی را می نگارم:

باستان شناسان برای دو هدف، آثار تاریخی و باستانی را بازسازی و اعمار مجدد می نمایند:

یک: بازسازی تیوریکی (برای تحقیق و پژوهش).

دو: بازسازی طبیعی (برای اکسپو و نمایش)؛ در باز سازی تیوریکی آثار، هدف احیا و باز ساختن آنعده از خصایص و ممیزات اثر تحت تحقیق است که در بدو پیدایش، صاحب آن بوده است؛ به گفته دیتز: هر اثر تاریخی و باستانی در حقیقت فوسیل ایده و طرز فکر، تولید کننده و یا سازنده آنست؛ برای چنین تحقیق از میتود هایی مانند باز سازی ترسیمی؛ باز سازی گرافیکی؛ بازسازی عددی و غیره که هر یک آن روش های جداگانه و مختص به خود را دارا بوده است، به کار گرفته می شود که تفصیل آن در این مختصر جای ندارد.

بازسازی طبیعی اثر برای هدف دومی (اکسپو ونمایش) صورت میگیرد. این شیوه از بازسازی نیز اصول و موازین مشخص داشته که بدون مراعات آن نمی توان به هدف نایل شد. در این روش از همه اولتر به موجودیت پنجاه فیصد بقایایی اثر تحت بازسازی، توجه مبذول می گردد. در حالیکه در بازسازی تیوریک این اصل مدنظر نمی باشد. در بازسازی طبیعی مرمت کار مقید به تهیه آن مواد است که اثر تحت بازسازی از آن ساخته شده بود. علاوه برآن مهمترین و پر مخاطره ترین کار در بازسازی طبیعی اجرای وظائف محوله به متخصص یا متخصصین بشمار می رود.

در این باز سازی نیاز به گماشتن چنان متخصص است که در همه ابعاد اثر تحت مرمت کاری، کاملاً واقف بوده، به جهات سلوکی؛ سیاقی و عملی آن اثر شناخت لازم و کامل داشته باشد.

بناظر داشت مطالب فوق می توان گفت که: نیاز مبرم برای بازسازی دو مجسمه بزرگ بامیان بنا بر اصول باستان شناسی وجود ندارد. اگر کاری در این راستا صورت گیرد، موافق با اصول باستان شناسی نخواهد بود. نخست از این جهت که، بازسازی تیوریک برای تحقیق زیادتر پیرامون آن مجسمه ها نیاز به ترمیم طبیعی ندارد، در صورت نیاز به تحقیق تیوریک (البته با نظر داشت تحقیقات قبلی تیوریکی نیاز به تحقیق زیادتر دیده نمی شود) می توان از روش های معمول آن (گرافیکی، عددی و ترسیمی) استفاده کرد. قابل یاد آوری است که ما اکنون عکس های ویدیویی و تصاویر کمپیوتری آن مجسمه ها را در اختیار داریم، که می توان در این گونه تحقیق از آن استفاده کرد. و اگر هدف از بازسازی طبیعی این مجسمه ها باشد، در آن صورت مشکلات فراوان از نگاه اصول و موازین باستان شناسی در این مسیر وجود داشته، که نمی توان آنرا نادیده گرفت. به گونه مثال؛ متأسفانه ما اکنون کمتر از پنجاه فیصد بقایای آن مجسمه ها را در اختیار داریم، که اولین مانع اصولی برای بازسازی طبیعی مجسمه های متذکره بحساب می آید. در رابطه با تهیه مواد بازسازی باید گفت، باوصف آنکه در قسمت تهیه مواد مشکل جدی بنظر نمی رسد چون مجسمه های بامیان در قلب کوه اعمار شده بودند، و اکنون می توان بیشتر مواد مورد نیاز به باز سازی را از همان کوه اعمار کرد، اما سخره های کوه به تنهایی نمی تواند همه مواد طرف نیاز به باز سازی را مرفوع نماید، علاوه بر آن به مواد دیکور محیط و دیزاین جلوه نیز ضرورت است که تهیه آن به سان قبلی دشوار بوده است. مسئله توظیف متخصصین و ماهران برای انجام مطمئن کار جدا دشوارتر از آن بنظر می رسد، خاصاً در این شرایط که بدون همکاری و سهم فعال متخصصین رشته های گوناگون مانند تیولوژیست بودائی؛ متخصص باستان شناسی در هنر گندهارایی و ساسانی؛ مؤرخ ورزیده عصر مدنیت های اولیه افغانستان، مجسمه ساز ماهر، زبر دست و وارد بر مشخصات مجسمه سازی قرون اول میلادی در افغانستان؛ اتنوگرافر وارد بر رمز ها و نشانه های کلتوری آن زمان؛ ناظر مدبر و فرمانده معتقد به ائین بودائی؛ و از این قبیل دهها متخصص و ماهر، برای انجام این امر آماده باید داشت، در غیر آن، نمی توان حاصل مثبت را بدست آورد.

دوم موانع مالی و اداری: در افغانستان بعد از ۲۵ سال جنگ های تحمیلی، تازه به بازسازی و اعمار توجه شده است، باوصف آنکه تا هنوز اعمار مجدد چنانچه باید و شاید، آغاز نشده است فقط از تخریب پی در پی و سیستماتیک افغانستان که بصورت آگاهانه و غیر آگاهانه انجام می گردید، اکنون به همکاری جهانیان خاصاً ایالات متحده امریکا متوقف گردانیده شده است، این توقف را به فال نیک گرفته و آنرا آغاز بازسازی می پذیریم. در این چنین حالت که کشور ما هنوز نیازمندی های جدی تر برای لا اقل زنده ماندن دارد، مسلماً از لحاظ بازسازی پروژه های آرمانی و بلند پروازانه جای نخواهیم داشت، و بخصوص که این خواست های آرمانی و بلند بالا از کمک های وعده شده برای اشد ترین نیازمندی به مردم این کشور، در دست اجرا قرار گیرد، مسلماً منطقی را در پی خواهد داشت.

از نشرات و خبرهای مربوط به این قضیه چنین بر می آید که لافل برای اجرای پروژه مذکور از یکصد و چهل تا یکصد و پنجاه ملیون دالر امریکایی ضرورت است، و بعضی از انجویوها در سدد آنند که مبلغ متذکره را از کمک ها و قرضه های وعده داده شده برای اشد ترین نیازمندی به این کشور، منفصل نموده و به تطبیق پروژه مدنظر آنها انتقال دهند. این شیوه کار نه تنها مارا به راه مناسب نخواهد کشاند بل به یک بیراهی مشابه به نابودی پیش خواهیم رفت.

مشکلات اداری یکی از پروبلم های بنیادی دیگر در این راستا بشمار می رود. افغانستان تاهنوز به سیستم تفنگسالاری دست باگربیان است؛ عده ای زیاد امور بازسازی و اعمار مجدد به وسیله انجویوها اجرا شده و یا در حال اجرا قرار دارد؛ اداره مرکزی تطبیق اوامر خویش را بر ولایات از طریق التجا و مراجعت به قوماندانان ساحوی، جست و جو نموده، و آنده از فرامین و اوامر که به حیثیت و وقار قوماندان بر می خورند یا مطرح نمی کند و اگر مطرح هم گردد، جامه عمل نمی پوشد.

با نظر داشت رأی موافق و مساعد مردم و باشندگان بامیان برای بازسازی مجسمه های متذکره، نمی توان ذهنیت متنفذین و قوماندانان اطراف و اکناف آن ولایت را نادیده گرفت. از یکطرف عدم توانمندی دولت مرکزی و از جانب دیگر تسلط ذهنیت طالبی قوماندانان مسلح و حاکم بر ولایات کشور، زمینه تطبیق پروژه های کلتوری و فرهنگی در کشور خاصاً آنده از پروژه ها که خلاف ذهنیت طالبی بوده است، وجود نخواهد داشت. به این ترتیب مسایل مالی و اداری نیز برای تطبیق پروژه بازسازی مجسمه های بزرگ بامیان مساعد نبوده و حتی ناممکن بنظر می رسد.

سوم : موانع قراردادی و اصول بین المللی: در جهان کنونی آئین و کیش بودائی از جمله ادیان بزرگ شمرده می شود. این آئین پیروان زیاد در سراسر جهان داشته و در تعدادی از کشورها به عنوان نافذترین دین آن جوامع پذیرفته شده و در بعضی از کشورها به مثابه دین قانونی مراعات و احترام گذاشته می شود. در صورت اعمار و احیای مجدد این مجسمه ها لاجرم باید به سنن و عقاید پیروان آئین بودائی توجه نمود؛ مشکل این عمل منوط به آن نیست که فقط باید توجه کرد بلکه باید آیدیه های آنها را در نظر گرفت و آنرا جامعه عمل پوشانید، درحالیکه توافق سنن و آداب این آئین در میان پیروان آن در کشورهای مختلف گوناگون بوده، که مسلماً از لحاظ عقیدتی به تلیف عقاید همه پیروان این آئین موفق نخواهیم بود، فلذا بازسازی این مجسمه بدون در نظر داشت این مهم بزرگ تکمیل گردیده نمی تواند. که این خود موانع قرار دادی بین دول جهان بحساب می رود.

عامل بنیادی دیگر که می توان مانع جدی تر از همه موانع یاد کرد، همانا فیصله سال ۱۹۶۱ میلادی یونسکو در وینا است که کاپی کردن و یا از نو ساختن اثر تاریخی و باستانی را منع قرار داده است. یکی از اهداف این فیصله جلوگیری از ترویج تقلب در آثار ارزشمند بشری در ساحات کلتوری و تاریخی بوده است. در پایان باید به گونه نتیجه خاطر نشان ساخت که:

هدف اساسی حفظ میراث های کلتوری در حقیقت، آنست که در وقت معین حادثه مشخص را بیان و توضیح نمایند. احداث مجسمه های بزرگ بامیان، بیان رازهای گوناگون زمان خویش را در درونش داشت، و اکنون که متأسفانه از بین برده شده است، خود یک حادثه المناک را بیان می نماید. به این گونه که: اعمار و ابقای آن مجسمه ها زمان شگوفائی و تنویر ذهنی را نشان میدهد و تخریب آن زمان عقب گرائی و تاریک فکری را به نمایش می گذارد. و سلام باعرض حرمت محمد رسول باوری

پوهنتون شیخ زاید  
خوست - افغانستان

## ماخذ:

- ۱- باوري , رسول. موزیم شناسی و سیر موزیم ها در افغانستان ( کابل : سپک ) ۱۳۷۵
- ۲- خدران ، الفشاه . مبادی بشر شناسی . ( کابل: پوهنتون کابل ) ۱۳۶۵
- ۳- وینوگراف، الکسی بازسازی آثار باستانی. ( کابل : پوهنتون کابل ) ۱۳۶۵

- ۴ - Deetz . J. Invitation to archaeology. New York ۱۹۶۹
- ۵ - Dupree .Nancy. An Historical guide to Afghanistan. (Kabul : Afghan tourist organization). ۱۹۷۷
- ۶ - Dupree. L. Afghanistan Princeton. (Princeton university) . ۱۹۷۳

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ